



اصالت صلح در سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه فقه سیاسی صالح نوری¹

چکیده :

صلح و جنگ در سیاست خارجی دولت اسلامی و حتی سایر دولتها دو وضعیت کاملاً متمایز از هم‌دیگر هستند که هر کدام از قواعد خاصی پیروی نموده و آثار خاصی نیز بر آنها مترتب است. نظر و توجه به تاریخ بشریت این نکته را آشکار می‌نماید که پیشینه صلح و جنگ به آغاز این تاریخ برمی‌گردد. دول و حاکمان اسلامی نیز در تعامل با حکومت‌های سایر ادیان روابط سیاسی برقرار کرده و در هر دو وضعیت ارتباطات دیپلماتیک داشته‌اند. در این مقاله دو دیدگاه مهم در خصوص این سؤال که آیا در روابط سیاسی دولتهای اسلامی با سایر دول اصل اولیه جنگ است یا صلح، مورد بررسی قرار می‌گردد.

پس از ارزیابی و تقابل این دو دیدگاه که اولی قائل به اصالت جنگ و دومی معتقد به اصالت صلح است، قول قوی و قابل دفاع دیدگاه اصالت انتخاب شده است، که براساس آن حالت اصلی و اولیه در روابط بین دولت اسلامی با سایرین صلح است و جنگ عارض بر آن است.

واژگان کلیدی: اسلام، صلح، جنگ، فقه سیاسی، روابط سیاسی، دول اسلامی.

¹ . عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور ارومیه



مقدمه:

بشر از روزی که پا به عرصه وجود گذاشت لحظه‌ای از جنگ و صلح فارغ نبوده است یا گریبانگیر جنگ، مبارزه، اختلاف و خونریزی بوده و یا اینکه در صلح و صفا، همزیستی مسالمت‌آمیز داشته است.

این دو موضوع از اهمیت بسیار برخوردار است که در طول تاریخ و عصر حاضر مورد توجه و تأمل اندیشمندان بوده و می‌باشد.

نقش ویژه دین در عرصه حیات بشری ویژه و غیرقابل انکار است و ارسال رسل و انزال کتب از لوازم مهم رفع اختلاف در جامعه بشری می‌باشد.^۱ از سوی دیگر، خود دین با توجه به محتوی آن، عامل اساسی در بسیاری از جنگ‌ها بوده است. بدین معنی که پیام صلح‌آمیز دین، با منافع بسیاری از زورمداران تاریخ همخوانی و سازگاری نداشته و ندارد که جلوگیری از ظهور و بروز مظاهر دینی از خوی استکبار طلبی دول و حاکمان متأثر است که تاریخ ادیان و پیامبران الهی نیز از جبهه‌گیری غیردینداران و مخالفان حکایت می‌نماید.^۲ که حکومت اسلامی در چنین حالتی چاره‌ای جز درگیری و دفاع از ارزشهای الهی نداشته است.

پیام دین اسلام بعنوان آخرین و کاملترین دین آسمانی «رهائی بشر از قید و بندهای دنیوی»، «حاکم کردن ارزش‌های انسانی»، «نشر توحید و خداپرستی» و «اجرای کامل اصول عدالت اجتماعی» است که بسط و گسترش این پیام در وضعیت صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز حکومتها و انسانها امکانپذیر می‌باشد.

در حقوق بین‌الملل معاصر نیز اصل صلح از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در منشور سازمان ملل متحد، دولت‌های عضو به توسعه روابط دوستانه، رعایت واقعی حقوق بشر و همکاری با سازمانهای بین‌المللی براساس عدالت، آزادی و صلح تشویق شده‌اند.^۳

گفتار اول: سیاست خارجی دولت اسلامی و تطبیق آن با وضعیت صلح و جنگ

ارتباطات سیاسی بین کشورهای اسلامی با سایر کشورها مبتنی بر صلح است یا جنگ؟

در این زمینه دو دیدگاه عمده مطرح است.

۱. دیدگاه اصالت جنگ که مستند به دلایل و شواهد است.
۲. دیدگاه اصالت صلح که مستند به دلیل بوده و دلایل اصالت جنگ را نیز نقد و رد می‌نماید.

الف- دیدگاه اصالت جنگ در سیاست خارجی دولت اسلامی

عده‌ای از فقهای اهل تشیع و اهل تسنن در قرن دوم هجری قائل به اصالت جنگ بودند.^۴

و آرای فقیهان مبتنی بر سه پایه است:

۱. اصل در ارتباط بین مسلمانان و پیروان سایر ادیان یا مشرکان جنگ است مادامی که این ارتباط چیزی را که موجب مسالمت باشد قطع نکند مثل ایمان آوردن و یا امان.

^۱ «لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه» (بقره: ۲۱۳)

^۲ «و کأین من نبی قاتل معه رتیون کثیر» (آل عمران: ۱۴۶)

^۳ ر. ک. به منشور سازمان ملل متحد

^۴ ر. ک. الزحیبي، وهبه المصطفی، آثار الحرب فی فقه الاسلامی، دمشق، دارالفکر، الطبعه الرابعه، ص ۱۳۰



۲. جهاد بر امت اسلامی واجب همیشگی است و اگر تجاوزی به سرزمین‌های اسلامی صورت پذیرد و جواب، حالت «عینی» به خود می‌گیرد و در غیراین صورت از قسم «کفائی» خواهد بود.

۳. علیه دارالحرب که احکام اسلامی در آن جاری نیست باید جهاد کرد هرچند آنها علیه مسلمان و حکومت‌های اسلامی اقدام به تجاوز و جنگ نمایند.^۵

دلایل و مستندات دیدگاه

قائلان به این رأی، برای تایید نظر خود به دلایلی چند از قرآن، سنت، اقوال دانشمندان و واقعیت عملی استناد می‌کنند.

۱- دلایل قرآنی و ارزیابی

(۱) «قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر و لا یحرمون ما حرم الله و رسوله و لا یدینون دین الحق من الذین اوتوا الكتاب حتی یعطوا الجزیه عن یدوهم صاغرون».^۶

یعنی با هر که از اهل کتاب که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده، حرام نمی‌دانند و به دین حق نمی‌گروند قتال و کار زار کنید تا آنگاه که با ذلت و تواضع به اسلام، جزیه دهند.

در تفسیر مجمع‌البیان به نقل از مجاهد می‌خوانیم «این آیه در وقت صدور فرمان جنگ با رومیان (تبوک) نازل شده و برخی گفته‌اند اختصاصی بدان جنگ ندارد و به نحو عموم نازل گشته است».^۷

صاحب کنز‌العرفان می‌نویسد «این آیه اشاره به قتال با اهل کتاب دارد که خدا آنها را با چهار صفت توصیف کرده است که هر کدام از آنها موجب قتال با آنان است».^۸

(۲) «و قاتلوا المشرکین کافه کما یقاتلونکم کافه واعلموا ان الله مع المتقین».^۹

یعنی با مشرکان همگی کار زار کنید هم‌چنان که آنان هم با شما همگی کارزار می‌کنند و بدانید که خداوند با پرهیزگاران است.

در مجمع‌البیان آمده است «یعنی همگی شما در حالی که با هم اختلافی نداشته باشید کارزار کنید چنانکه آنها همگی با شما کارزار کنند».^{۱۰}

(۳) «و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین لله فان انتهوا فلا عدوان الا علی الظالمین».^{۱۱}

یعنی با آنان چنان نبرد کنید که فتنه شرک باقی نماند و دین فقط دین الهی باشد و چون دست برداشتند ستم نباید کرد مگر بر ستمگران.

^۵ - ر.ک. الهندی، احکام الحرب و السلام فی دولة الاسلام، دمشق، دارالمنیر للطباعة و النشر و التوزیع، الطبع

الاولی، ص ۱۲۳-۱۲۲

^۶ - توبه، آیه ۲۹

^۷ - طبرسی، ابوعلی‌الفضل بن حسن، تفسیر مجمع‌البیان، ترجمه محمد مفتاح، نشر فراهانی، (بی‌تا)، ج ۱۱، ص ۶۶

^۸ - البیسوری، جمال‌الدین مقداد ابن عبدالله، کنز‌العزمان، تهران، مرتضوی، ۱۳۴۳، ج ۱، ص ۳۶

^۹ - سوره توبه، ذیل آیه ۳۶

^{۱۰} - طبرسی، ابوعلی‌الفضل بن حسن، همان، ج ۱۱، ص ۸۵

^{۱۱} - بقره، ۱۹۳



در تفسیر نمونه، با این توضیح که فتنه از نظر لغت، معنی وسیعی دارد و هرگونه مکر، فریب، فساد، شرک، گناه و رسوائی را در بر می‌گیرد. منظور از فتنه را «شرکت و بت‌پرستی» می‌داند و یکی از اهداف جهاد را برچیدن بساط شرک و بت‌پرستی عنوان می‌نماید.^{۱۲}

۴) «واقتلوهم حیث ثقتموهم و اخرجوهم من حیث اخرجوکم»^{۱۳}

یعنی هرکجا بر آنان دست یافتید. بکشیدشان و آنان را از همان جا (مکه) که شما را رانده‌اند، برانید.

صاحب کنزالعرفان این آیه را ناسخ کلیه آیاتی می‌داند که در آن امر به کف و خودداری از قتال شده است. آیات دیگری نیز در قرآن وجود دارد که قائلین به اصالت جنگ به آنها استناد نموده‌اند که در این جا به ترجمه بعضی از آنها اشاره می‌گردد.

«بر شما جهاد مقرر شده است و آن برای شما ناخوشایند است چه بسا چیزی را ناخوش داشته باشید و آن به سود شما باشد و چه بسا چیزی را خوش داشته باشید و آن به زیان شما باشد و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید».^{۱۴}

«ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و با آنان درشتی کن».^{۱۵}

«ای مؤمنان با کسانی از کفار که نزدیک شما هستند کارزار کنید و باید که در شما درشتی ببینند».^{۱۶}

آیات دیگری نیز در قرآن مستند اصالت جنگ در سیاست خارجی است که در این جا به آدرس آنها کفایت می‌شود.^{۱۷}

یکی از مهمترین آیه مورد استناد این دیدگاه آیه ۲۹ سوره توبه است که به «آیه قتال» و «آیه سیف» مشهور است در این آیه قتال و مبارزه با اهل کتاب صریحاً آورده شده است. یکی از مستندات مهم جهاد ابتدایی است و مراد از قتال و مبارزه در این آیه، کارزار با غرض تمتع دنیوی نیست بلکه هدف و غایت این آیه غلبه دین حق و سنت عدالت طلبی و کلمه تقوا بر دین غیر حق فسق و فجور است و این آیه به قضیه محافظت بر قدرت اسلام و مسلمین و نیز بر حرمت و آزادی دعوت به خدا با رفع موانع پُشری و سایر موانع از راه دعوت است که رفع آن جز با جنگ و قتال امکانپذیر نباشد. پس این آیه مربوط به جهاد ابتدایی بوده و در حال حاضر نمی‌تواند مستند جنگ دولت اسلامی با سایر دولتها باشد.

آیه ۳۶ سوره توبه، قتال با جمیع مشرکان را مطرح می‌سازد و این قتال و مبارزه همه جانبه، در مقابل مبارزه همه جانبه‌ای است که آنها علیه مسلمانان آغاز کرده‌اند و پاسخی مناسب علیه جنگ افروزی آنهاست. در این آیه:

«قتالی که ما به آن امر شده‌ایم، در مقابل قتال آنهاست و به عنوان سببی مطرح شده است».^{۱۸}

^{۱۲} - جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، دارالمکتب الاسلامیه، ج ۲، چاپ ۲۱، ص ۱۴-۱۳

^{۱۳} - بقره، ۱۹۱

^{۱۴} - بقره، ۲۱۶

^{۱۵} - توبه، ۷۳

^{۱۶} - توبه، ۱۲۳

^{۱۷} - رک توبه، ۱۱۱- توبه، ۳۸- توبه، ۴۱، توبه، ۵

^{۱۸} - طبری، همان، ج ۱۱، ص ۸۵



آیه ۱۹۳ سوره بقره از دیگر آیاتی است که مستند اصالت جنگ در تعاملات حکومت اسلامی است این آیه نهایت قتال و درگیری را عدم وجود فتنه ذکر کرده است که فتنه از نظر لغوی معانی گسترده‌ای دارد و اصل آن عبارت از «آزمایش و امتحان» است.^{۱۹}

فتنه را به معنای دیگری از قبیل محنت، اخراج از وطن، القای شبهات، آزار و اذیت و ... نیز حمل نموده‌اند که مجال بحث آنها نیست در هر صورت طبق این آیه با دشمنان حارب تا پایان فتنه باید جنگید و در صورت توقف جنگ و فتنه از جانب دشمن باید از آن دست کشید. عبارتی دیگر این آیه ناظر به ظلم، جنگ افروزی و فتنه‌گری آنان است که منجر به جهاد می‌گردد نه از حیث کفر و شرک.

آیه ۱۹۱ سوره مبارکه بقره نیز از دیگر مستندات دیدگاه اصالت جنگ است، این آیه اشاره به مقابله و پاسخ ظلمی است که از جانب مشرکان به مومنان رسیده است و آن اخراج مسلمانان از سرزمین خودشان بوده است آیه می‌گوید هر جا دشمنان را آماده مبارزه یافتید، به قتل برسانید، شیخ طوسی می‌فرماید: «معنی آیه آن است که ابتدا اقدام به قتل آنان و نیز قتال آنان مکن مگر آنها آغازگر باشند».^{۲۰}

پس این آیه هم نمی‌تواند دلیل متقن دیدگاه اصالت جنگ باشد.

بطور کلی می‌توان گفت استدلال به مطلقات آیات برای اثبات «اصل بودن جنگ» از قوت برخوردار نیست چون:

۱. اسلوب آیات، قضیه را در زمان معین مطرح می‌کند و بررسی تاریخی همان زمان، نکات زیادی را می‌نمایاند.

۲. آیات مطلق با توجه به آیات دیگر، باید مقید گردند.

۳. آیاتی که در ظاهر افاده عموم می‌کنند به آیات دیگری تخصیص می‌خورند، خصوصاً با توجه به اصل مشهور «مامن عام الا وقدخص»

۴. توجه به این نکته لازم است که قتال باید طرفینی باشد یعنی قتال کوشش در کشتن کسی است که سعی در کشتن تو دارد.

النهایه، یک اصل کلی و اساسی در چگونگی رابطه مسلمانان با غیرمسلمانان وجود دارد که نه تنها برای آن زمان برای امروز و فردا نیز ثابت است. اینکه مسلمانان موظفند در برابر هر گروه و جمعیت و هر کشوری که موضع خصمانه با آنها داشته باشند و برضد اسلام و مسلمین قیام کنند، یا دشمنان اسلام را یاری دهند، سرسختانه بایستند و هرگونه پیوند محبت و دوستی را با آنها قطع کنند. اما اگر آنها در عین کافر بودن، نسبت به اسلام و مسلمین بی‌طرف باشند و یا تمایل داشته باشند، مسلمین می‌توانند با آنها رابطه دوستانه برقرار سازند البته نه در آن حد که با برادران مسلمان دارند و نه در آن حد که موجب نفوذ آنها در میان مسلمین گردد.^{۲۱}

۲- دلایل روانی و ارزیابی

قائلان به اصل بودن جنگ، به احادیثی در این باره استدلال می‌نمایند.

^{۱۹} - السیوری، فاضل مقداد، همان، ج ۱، ص ۳۵۳

^{۲۰} - شیخ طوسی، التبیان، همان، ج ۲، ص ۱۴۵

^{۲۱} - ر. ک. تفسیر نمونه، ج ۲۴، چاپ هفتم، ص ۳۳



۱) امام صادق (ع) به نقل از رسول خدا (ص) فرموده است که « تمام خیر در شمشیر و زیر سایه شمشیر است و مردم را چیزی جز شمشیر برپا نمی‌دارد و شمشیرها زمام بهشت و دوزخند».^{۲۲}

۲) از امام صادق (ع) منقول است که خداوند متعال پیامبرش را برای تبلیغ اسلام ده سال به سوی مردم فرستاد مردم آن را نپذیرفتند تا اینکه او را به کارزار فرمان داد، پس خیر در شمشیر و زیر سایه شمشیر است.^{۲۳}

۳) رسول خدا (ص) فرمود که « در زمان بعثت با شمشیر برانگیخته شدم تا خدای متعال به یگانگی

پرستیده شود، شریکی برای او نباشد. روزی من زیر سایه شمشیر قرار داده شده و خواری و کوچکی

برای کسی است که فرمان مرا مخالفت کند».^{۲۴}

۴) از رسول خدا (ص) منقول است که جهاد از زمان برانگیختن من امضاء شده است.^{۲۵}

۵) برخی دیگر به سیره عملی پیامبر (ص) در قضیه حرکت دادن جیش اسامه جهت نبرد با رومیان استدلال می‌نمایند که پیامبر (ص) علی‌رغم آن که در حال نزاع بودند، اصرار بر حرکت سپاه داشتند.^{۲۶}

به نظر می‌رسد احادیث رسیده، موضوع قتال را به اعتبار ضرورت مطرح می‌کند و نه به طور کلی. طبعاً هر مکتبی که بخواهد پایه‌های خود را بر زمین سخت بنا نهد، ناچار از به کار بردن قدرت است تا تجاوز را دفع کند و پیروانش را با اسلوب دفاعی یا بازدارندگی یا هجومی، بنابه مصلحت بالاتر آماده سازد. احادیث آمده است تا بگوید که عفو و شدت، حاجت زندگی است برای مبادی و مکاتبی که قصد مبارزه، با او را دارند. در این موارد، نرمی اگر یک بار یا بیشتر فایده دهد در اکثر حالات فایده و نتیجه قطعی ندارد، اما این که عفو با دعوت ارتباط داشته باشد تا دعوت از خلال عفو آشکار شود یا براساس آن، پایه‌ریزی شود، از این احادیث بر نمی‌آید. عبارات دیگر نمی‌توان این احادیث را واسطه تشریح قتال و کارزار با غیر مسلمانان دانست بلکه محتوی احادیث دال بر این است که مسلمانان باید قوی باشند تا دیگران هوس خام تجاوز به آنان را در سر نپروراند و اگر تجاوزی رخ داد آن را قاطعانه دفع و رفع نمایند.

پس در نصوص دینی از کتاب و سنت بر نمی‌آید که دعوت به دین را هدف جنگ بدانند یا جنگ را وسیله‌ای برای اجبار مردم به دخول در دین ذکر کند. بلکه تنها مدلول آن نصوص، این است که جنگ وسیله‌ای است که برای حمایت دعوت دینی و نگهداری آن از مبارزه‌هایی که دشمنان کافر بر ضد آن برپا می‌دارند، مشروع شناخته شده است.^{۲۷}

۳- بنای عملی حکام اسلامی

از دیگر دلائل قائلان این نظریه، «واقعیت عملی» است که در عصر فتوحات اسلامی اتفاق افتاده و صحت این نظر را به زعم آنان اثبات می‌کند، چراکه خلفای راشدین، سپاهیان اسلامی را برای فتح سرزمین‌های مجاور

^{۲۲} - حر عاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق، ج ۱۱، ص ۵

^{۲۳} - همان، ص ۹

^{۲۴} - العینی، بدرالدین ابومحمد محمودبن احمد، عمده‌القاری فی شرح صحیح البخاری، القاهرة، المطبعه المنیریة،

ج ۱۴، ص ۱۹۲

^{۲۵} - ابوداود در سنن خود، این حدیث را روایت کرده است.

^{۲۶} - ر.ک، نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۵ق، ج ۲۱

^{۲۷} - فضل‌الله، محمدحسین، الاسلام و منطق القوه، بیروت، الدارالاسلامیه، چاپ دوم ۱۹۸۱، ص ۲۰۴



مثل شام، عراق، مصر و شمال آفریقا حرکت دادند و این حرکت، نه در راه دفاع، بلکه در راه گسترش حدود دعوت اسلامی و حمایت از آن بوده است.

واقعیت عملی هم نمی‌تواند مستند قوی برای اصالت جنگ باشد. چون تصویر واقعیت آن روزگار را نمی‌توان به عنوان دلیل در نظر گرفت و با آن یک اصل را اثبات کرد.

ب- دیدگاه اصالت صلح در سیاست خارجی دولت اسلامی

بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران مسلمان معاصر که دین اسلام هم‌چنانکه از نامش پیدا است «دین صلح» است نه دین جنگ، بر این اساس، ارتباط بین دارالاسلام و سایر سرزمین‌ها که مسامحتا دارالحرب نامگذاری شده و صحیح آن دارالکفر و دارالشک است باید ارتباطی صلح‌آمیز به عنوان قاعده عمومی باشد و به جنگ، جز به عنوان استثنائی بر قاعده مذکور اقدام نشود. بنابراین نظر مسلمانان حق جنگ افروزی نسبت به سایر ملتها حتی دارالحرب را ندارند مگر اینکه جنگ از سوی آنان آغاز شود. به عبارت دیگر، تنها جنگ مشروع در اسلام، جنگ دفاعی است و نه هجومی.^{۲۸}

جلال آل احمد در کتاب غرب‌زدگی می‌فرماید «اسلام ... هرگز به خونریزی برنخاسته بود. سلام اسلامی، صلح جویانه‌ترین شعاری است که دینی در عالم به خود دیده است».

دلایل و مستندات دیدگاه

ادله اصل بودن در اسلام تحت عناوین ذیل مطرح می‌گردد.

۱- دلایل قرآنی و ارزیابی

حدود ۱۰۰ آیه در قرآن کریم وجود دارد که مسلمانان را به سوی صلح دعوت می‌کند و جنگ را جز در موارد دفاع از نفس یا دفاع از دین جایز نمی‌شمرد که به برخی از آیات اشاره می‌شود:

(۱) «یا ایها الذین ءامنوا ادخلوا فی السلم کافه و لاتتبعوا خطوات الشیطن انه لکم عد و مبین»^{۲۹}

«ای مؤمنان همگی از در ایمان و اطاعت (تسلیم) در آئید و از گامهای شیطان پیروی مکنید که اودشمن آشکار شماست». در این آیه، خداوند به عموم مسلمانان و مؤمنان فرمان داده که از در مسالمت و آشتی درآیند و به سلم و سازگاری داخل شوند.

(۲) «وان جنحواللسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السميع العليم».^{۳۰}

«و اگر «دشمنان» به صلح و مسالمت تمایل داشتند تو (نیز) مایل به صلح باش و بر خدا توکل کن که او شنوا و داناست».

در المیزان آمده است «اگر تمایل به صلح و مسالمت پیدا کردند تو هم تمایل پیدا کن و بر خدا توکل کن»^{۳۱} در تفسیر نمونه می‌خوانیم «به پیامبر دستور می‌دهد در قبول پیشنهاد صلح، تردیدی به خود راه مده و چنانچه شرایط آن، منطقی، عاقلانه و عادلانه باشد، آن را بپذیر».^{۳۲}

^{۲۸} ر.ک. الهندی، احسان، همان، ص ۱۱۹

^{۲۹} بقره، ۲۰۸

^{۳۰} انفال - ۶۱

^{۳۱} طباطبائی، سیدمحمدحسین، همان، ج ۹، ص ۱۱۹



۳) «و الصلح خیر»^{۳۳} «صلح بهتر است»

لحن این فراز از آیه، اگرچه ربط مستقیم به آیات جهاد ندارد، اما در واقع، عبارت کوتاه «و الصلح خیر» بیانگر قانون کلی قرآن است در تفسیر نمونه چنین آمده است «این جمله کوتاه و پرمعنی ... یک قانون کلی، عمومی و همگانی را بیان می‌کند که در همه جا اصل نخستین، صلح، صفا، دوستی و سازش است و نزاع، کشمکش و جدائی برخلاف طبع سلیم انسانی و زندگی آرام بخش او است و لذا جز در موارد ضرورت و استثنائی نباید به آن متوسل شد».^{۳۴}

۴) «و قتلوا فی سبیل الله الذین یقتلونکم و لاتعتدوا ان الله لایحب المعتدین».^{۳۵}

یعنی با کسانی که با شما آغاز کارزار می‌کنند، در راه خدا کارزار کنید، ولی ستمکار (و آغازگر) نباشید چرا که خداوند ستمکاران را دوست ندارد.

در میزان آمده است «قتال، کوشش مرد در کشتن کسی است که سعی در کشتن او دارد ... و نهی از اعتدا، مطلق است ... و شامل قتال قبل از دعوت به حق و ابتدا به قتال و کشتن زنان و کودکان ... می‌شود».^{۳۶}

سه نکته مهم و اساسی در این آیه شریفه بیان شده است که به تعبیر تفسیر نمونه روشنگر منطق اسلام در مورد جنگ است:

- قتال در راه خدا با هدف گسترش قوانین الهی و ریشه کن ساختن ظلم، فساد و انحراف است.

- «الذین یقاتلونکم» صراحت دارد که تا طرف مقابل دست به اسلحه نبرده و به مبارزه نپرداخته، نباید پیشدستی شود.

- «لاتعتدوا» ابعاد جنگ را مشخص می‌سازد.^{۳۷}

بنابراین آیه شریفه به وجوب نبرد در راه خدا، با جنگ افروزان علیه مسلمانان فرمان می‌دهد و از سوی دیگر می‌گوید: تنها با کسانی باید جنگید که در جنگ با مسلمانان باشند و مسلمانان نباید آغازگر جنگ باشند زیرا امر به قتال کسانی می‌کند که می‌جنگند و این بیانگر آن است که تا آنان شروع به جنگ نکنند، شما آغازگر جنگ نباشید. به عبارت دیگر در این آیه کارزار در مقابل کارزار قرار داده شده است.

۵) «لاینهکم الله عن الذین لم یقتلواکم فی الدین و لم یخروجکم من ديارکم ان تبرهؤم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین».^{۳۸}

یعنی خداوند شما را از کسانی که با شما در کار دین کارزار نکرده‌اند و شما را از خانه و کاشانه‌تان بیرون و آواره نکرده‌اند نهی نمی‌کند از این که در حقشان نیکی کنید و با آنان دادگرانه رفتار نمائید، بی‌گمان خداوند دادگران را دوست دارد.

^{۳۳} - تفسیر نمونه، همان، ج ۷، ص ۲۳۰

^{۳۴} - نساء، ۱۲۸

^{۳۵} - تفسیر نمونه، همان، ص ۱۱۵

^{۳۶} - بقره - ۱۹۰

^{۳۷} - طباطبائی، سیدمحمدحسین، همان، ج ۲، صص ۶۲-۶۱

^{۳۸} - رک- تفسیر نمونه، همان، ج ۲، چاپ بیست و یکم، زمستان ۶۸، صص ۱۱-۱۰

^{۳۹} - ممتحنه - آیه ۸



در تفسیر نمونه، ذیل همین آیه، افراد غیرمسلمان را به دو گروه تقسیم کرده است. یک گروه که در مقابل مسلمین ایستادند و شمشیر بر روی آنها کشیدند و آنها را از خانه و کاشانه‌شان به اجبار بیرون کردند و به تعبیر دیگر، عدوات و دشمنی خود را با اسلام و مسلمین در گفتار و عمل آشکار نشان دادند، تکلیف مسلمین آن است که با آنها مدارا، محبت و دوستی نداشته باشند. دسته دیگر که در عین شرک و کفر، کاری به مسلمانان نداشتند، نه با آنها پیکار می‌کردند و نه اقدام به بیرون راندن‌شان از شهر و دیارشان نمودند و حتی گروهی از آنها، پیمان ترک مخاصمه با مسلمانان بسته بودند که نیکی کردن با این دسته و اظهار محبت به آنان بلامانع بود و در ادامه می‌نویسد «این دستور، منسوخ نیست»^{۳۹}

این آیات، تعرض و جنگ با غیر مسلمان را که پیشقدم در جنگ و آزار ... نشده‌اند ممنوع کرده، حتی توصیه به عدالت و نکویی در حق آنها می‌نماید.

آیات دیگری نیز بر اصالت صلح دلالت می‌نمایند که آیه «۹۴ نساء»، «۹۰ نساء»، «۳۹ حج»، «۴ محمد» را می‌توان نام برد.

جالب است بدانیم که تاکید قرآن بر دو واژه «صلح» و «سلم» فراوان است و مشتقات این دو واژه، به اشکال مختلف و معانی گوناگون آمده است، لفظ سلم و مشتقات آن در حدود ۱۳۳ آیه آمده، در حالی که لفظ حرب فقط در ۶ آیه آمده است.

۲- دلایل روائی و ارزیابی

در سنت معصومین (علیهم‌السلام) چه قولی و چه سیره عملی، دعوت به صلح وجود دارد.

۱) از حضرت علی (ع) منقول است که فرموده است «هرکه از شما درخواست سلم و آشتی کرد، از او بپذیرید».^{۴۰}

۲) در عهدنامه جاودان حضرت علی (ع) به مالک اشتر آمده است که «صلحی را که رضایت الهی در آن است و دشمن به آن دعوت کرده، رد مکن»^{۴۱}

۳) از پیامبر اکرم (ص) رسیده است که «ای مردم! آرزوی روبرو شدن با دشمن را مکنید از خدا عاقبت، صلح و سلامت بخواهید».^{۴۲}

۴) حضرت علی (ع) می‌فرماید:

پیامبر مرا روانه یمین کرد و فرمود «ای علی! تا کسی را به اسلام دعوت نکرده‌ای با او نجنگ، به خدا سوگند، اگر خدا یک نفر را به دست تو هدایت کند بهتر از هر چیزی است که در این جهان وجود دارد. در لفظ حدیث: ... که خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند وظیفه تو دوست داشتن مردم و سرپرستی آنها است».^{۴۳}

^{۳۹} - تفسیر نمونه، همان، ج ۲۴، چاپ هفتم، زمستان ۶۹، صص ۳۱-۳۲
^{۴۰} - حر عاملی، همان، ج ۱۱، ص ۷۳
^{۴۱} - ر. ک. نهج البلاغه، نامه ۵۳
^{۴۲} - وهبه الزحیلی، همان، ص ۳۶۵
^{۴۳} - شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۵



۵) در روایتی از پیامبر (ص) وارد شده که به جنگجویان فرمود: «من بیش تر دوست دارم که شما را هنگام بازگشت همراه با مردمی ببینم که به اسلام گردیده‌اند نه با عده‌ای کودک، زن که پدران و شوهرانشان را کشته‌اید.»^{۴۴}

در سیره عملی پیامبر (ص) نیز نمود اصالت صلح به چشم می‌خورد موضع‌گیری پیامبر (ص) در صلح «حدیبیه» بی‌گمان نظیر ندارد. او با میل خود، پیشنهادهای طرف مقابل را برای صلح پذیرفت، در حالی که این پیشنهادها به هیچ وجه عادلانه و مبنی بر مساوات نبود، بلکه به دشمنان مسلمانان حقوق ویژه‌ای می‌دادند. وقتی از پیامبر پرسیده شد که چرا به این کار تن می‌دهد فرمود «به خدا سوگند! هرگاه قریش مرا به طرحی فرا بخوانند که در برگیرنده ارتباط دوستانه با خویشان باشد به حتم آن طرح را می‌پذیرم».^{۴۵}

و جالب آن که همین صلح حدیبیه، فتح و پیروزی نام گرفته است. به این نامگذاری در سوره فتح اشاره شد که پس از انعقاد معاهده صلح مزبور نازل شد. سبب این نامگذاری آن است که پس از این صلح، آفاق نو فرا روی دعوت اسلامی گشوده شد. تاریخ نگاران می‌گویند تعداد کسانی که طی دو سال پس از این صلح به اسلام گرویدند، بیش از همه کسانی بود که حدود بیست سال پیش از آن به اسلام گرویده بودند.

در احادیث وارده در خصوص اصالت صلح، با عباراتی از قبیل «قبول صلح»، «منع از عدم پذیرش صلح»، «صلح موجب آرامش سربازان و امنیت سرزمین» و «نهی از رغبت و آرزوی جنگ با دشمن» به راهبردی بودن صلح در تعاملات مسلمانان و دولت‌های اسلامی با سایرین اشاره نموده است. حضرت رسول اکرم (ص) ۱۳ سال در مکه مقابل مشرکان، مقاومت مسالمت‌آمیز داشت بدون آن که سلاح حمل کند یا بر آنها هجومی برد و در جواب سؤال صحابه می‌فرمود که به کارزار مأمور نشده‌ام «انی لم

أومر بقتال». پس از انتقال به مدینه و جواز حمل سلاح بر ضد مشرکان و همسایگان غیرعرب، برای دفاع از خود و دعوت اسلامی بود. از این رو می‌توان گفت جنگ‌ها و غزوه‌های زمان پیامبر بر ضد مشرکان دفاعی بوده‌اند و برخی از جنگ‌ها نیز مانند جنگ علیه یهود یثرب و خیبر از پیمان‌شکنی خود آنها نشأت می‌گیرد عبارتی دیگر می‌توان گفت که پیامبر (ص) ۱۳ سال در مکه به دین خدا دعوت نمود و اصل صلح را نیز تقریر کرد و دعوت مسالمت‌آمیز را در مدینه دوباره از سر گرفت. اگر بعضی درگیریها و جنگ‌ها بوجود آمد یا دفاعی بودند و یا در مقابل نقض پیمان صورت می‌گرفت که اگر دفاع و نقض پیمان نبود صلح استمرار می‌یافت.

ادله دیگر «اصالت صلح»:

۱- احترام به عقاید دیگران

احترام به عقاید مذهبی دیگران و همکاری در سایه صلح امکانپذیر است.

در روابط بین ادیان با یکدیگر، تعصب‌آمیزترین رفتار، عدم احترام به عقاید دیگران است. زیرا این عمل می‌تواند به پیشداوری، سرکوب و دشمنی منجر گردد این‌گونه رفتار در تاریخ باستان و قرون وسطی نمونه‌های بسیاری داشته است.

اما در عصر جدید، این دیدگاه متعصبانه مردود اعلام شده و در مقابل، از آزادی مذهبی و احترام به عقاید دیگران هواداری گردیده است به علاوه جنبش‌های نو مبلغ تفاهم و درک متقابل میان طرفداران مذاهب و

^{۴۴} - سرخسی، شرح السیراکبیر، ج ۱، ص ۴۶

^{۴۵} - محمدعبدالله دراز، الدراسات الاسلامیه فی العلاقات الاجتماعیه و الدولیه، ص ۱۴۲



فرقه‌های مختلف هستند این ارتباط متقابل، به نوبه خود، احترام صرف به عقاید دیگران را که یک ایستار سلبی است به همکاری که یک رفتار ایجابی است تبدیل می‌نماید.

حقوق اسلام، آزادی فکر و عقیده را به رسمیت می‌شناسد و طرفدار احترام به عقاید دیگران و رواج ارتباط و همکاری در میان همه انسانها است.

از جمله اشتباهات برخی از نویسندگان غربی این است که مدعی‌اند اسلام به کمک شمشیر و جنگ گسترش یافته است و با جبر و زور اشاعه پیدا کرده است این ادعا با واقعیت سازگاری ندارد.

۲- دعوت مسالمت آمیز

دعوت مسالمت آمیز تأکید بر اصالت صلح است.

بر کسی پوشیده نیست که دعوت به پذیرش اسلام می‌بایست با ایقان، زبان خوش و عقیده آزاد انجام

گیرد که وجوب این دستور شرعی از آیات بسیاری پیدا است.^{۴۶}

۳- اخوت جهانی

اخوت جهانی و برابری انسانها دلیل متقن دیگری بر پایداری حالت صلح است.

تأکید بر این نکته ضروری است که اخوت دینی در اسلام مرحله‌ای از اخوت عظیم‌تر و جهانی‌تر یعنی اخوت ابناء بشر می‌باشد این اخوت بر سه اصل جهانشمولی اسلام، یگانگی خداوند و یکی بودن انسانیت استوار است که این سه اصل در آیات متعدد قرآن و هم‌چنین سیره ائمه علیهم‌السلام مشهود است.

گفتار دوم: طرح ایرادات

ایراد اول: اگر اسلام دین صلح است پس جهاد چرا تشریح شده است؟

ایراد دوم: اگر در دین اسلام بنا بر صلح است، پس آمادگی جنگی برای چیست؟

۱- ایراد اول و پاسخ به آن

شاید این سوال پیش آید که اگر در تعاملات سیاسی دولت اسلامی با سایر دول اصل، "صلح" است، جهاد چگونه بر اصالت صلح منطبق می‌گردد.

در جواب این شبهه باید گفت که جهاد اسلامی، جنگ شرعی عادلانه‌ای است که با هدف خیرخواهی برای انسانها و اصول انسانیت انجام می‌شود این جهاد به خاطر حفظ و نگهداری بقای اسلامی و یا دفاع از استقلال است نه به خاطر انگیزه‌های مادی، گسترش جغرافیائی و یا استعمار اجباری، چنانچه دول مستکبر و استعمارگر با بهانه استعمار و آبادانی، کشورهای دیگر را مورد تاخت و تاز و هجوم قرار داده و یا با وسایل مختلف به غارت منابع آن کشورها مشغولند. جهاد اسلامی مقوله کلی و چند بعدی و کامل است نه یک امر بسیط و جنگ محض، در فقه و حقوق اسلامی تعریفی از جنگ ارائه نگردیده است بلکه تمامی تعاریف وارده در باب جهاد و دفاع شروع است و قید مهم جهاد هم «فی سبیل الله» بودن آن است. که این قید مهم، هدف و ماهیت جهاد را مشخص می‌نماید. جنگ مشروع در اسلام همان «جهاد فی سبیل الله» است جهاد در راه خدا، یعنی جهاد به خاطر دین و

^{۴۶} - ر.ک، بقره ۲- نحل، ۱۲۵ - یونس، ۹۹ - عنکبوت، ۱۸ - کهف، ۲۹ و ...



اعتلای حق برای تحقق کلمه والای الهی و در جهت دفاع از ارزشهای انسانی، پس در جهاد، اهداف شخصی، قدرت طلبی، کشورگشائی و به دست آوردن مستعمره و ... جایگاهی ندارد جنگ در این جهاد هدف نیست بلکه وسیله نشر دعوت اسلامی و شناساندن آن و نیز حمایت از مسلمانان و در نهایت بنا کردن جامعه اسلامی به هم پیوسته و قوی است. نهایتاً، جهاد دفاعی در برابر تعرض مسلحانه بیگانگان به منظور دفاع، دفع تجاوز و رفع فتنه‌گری آنان صورت می‌گیرد و این جهاد قاعدتاً مسلحانه خواهد بود و جهاد ابتدائی هم جهادی اعتقادی بوده و به قصد دعوت سایرین به دین خدا و ارزشهای اسلامی صورت می‌گیرد و این جهاد فاقد جنبه مسلحانه است که این جهاد را با عنوان «الدعوه الی الاسلام» یا «الدعوه الی الله» نام برده‌اند و می‌توان آن را «جهاد مرامی - اعتقادی» نامید.^{۴۷}

۲- ایراد دوم و پاسخ به آن

این سؤال نیز مطرح است که اگر اصل در اسلام بر صلح مبتنی است چرا دستور آمادگی جنگی در اسلام صادر گردیده است؟ «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه من رباط الخیل».^{۴۸}

برای پاسخ به این شبهه توجه به چند نکته الزامی است.

۱) از لحاظ منطقی، فراهم کردن عده و افزایش نیرو و سلاحهای جنگی و آمادگی نظامی، یکی از ضرورتها و از لوازم زندگی اجتماعی به شمار می‌آید. اسلام برای عملی ساختن رسالت خود، بایستی دارای قدرت کافی باشد چون بسیاری با توجه به مطامع خود اسلام را بر نمی‌تابند. مراد از نیرو و قدرت جنگی ایجاد هراس و وحشت نیست بلکه مراد از آن، پیشگیری از خیال تجاوزی است که ممکن است سایرین در سر بپروانند عبارتی دیگر می‌توان گفت که مراد از آمادگی نظامی در اسلام، همان هیبت و احترامی است که بواسطه آمادگی در دل دیگران ایجاد می‌شود.

۲) خداوند پس از دستور به آمادگی جنگی در سوره ۶۰ سوره انفال می‌فرماید «ترهبون به عدو الله و عدوکم» چرا که دشمنان وقتی بدانند مسلمانان آماده مبارزه‌اند و همه‌گونه سلاح و ابزار و آلات جنگی را فراهم دارند و به متجاوزان پاسخ دندان شکن می‌دهند، اقدام به تعرض و تجاوز نمی‌کنند.

۳) معنی صلح، سلاح بر زمین گذاشتن، راحتی، غفلت و خواب امت اسلامی نیست. آماده‌سازی امکانات، پر کردن مرزها و مرزداری در راه خدا برای دولت اسلامی واجب است تا دشمنی که با خود حدیث تجاوز به سرزمین‌های اسلامی را می‌خواند، به هراس افکنده شود امروزه این آمادگی از حیث عده و عده «صلح مسلح» یا «موازنه قوا»^{۴۹} نامیده می‌شود.

هرچند موازنه قوا نزد دولت‌های امروزی، بخاطر راه‌اندازی جنگ و مسابقه تسلیحاتی است. بر این اساس، کشورهای اسلامی باید خود را قوی کرده و مقتدر باشند.

به عبارت دیگر کشورها و دولت‌های اسلامی باید با بهره‌گیری از علم و فن‌آوری پیشرفته روز، خود را با آخرین دستاوردهای نظامی - امنیتی مجهز سازند تا دیگر کشورها هوس خام مقابله با آنها و تجاوز به سرزمین‌های اسلامی را در سر نپروانند.

^{۴۷} - ر.ک - شلتوت، محمود، جنگ و صلح در اسلام، صص ۵۳-۵۲

^{۴۸} - انفال، ۶۰

^{۴۹} - ر.ک، جمعی از نویسندگان، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، مقاله‌های ارائه شده به کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، ج ۱، تبیین مبانی نظری جنگ و دفاع، تهران، دبیرخانه کنفرانس، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۱۵۱



پس اصالت صلح با کسب قدرت تناقضی ندارد از زمانهای بسیار دور در روابط بین کشورها و دولتها قدرت حاکم بوده است به این ترتیب به طور طبیعی، ضرورت اعتدال قوا ایجاب می نماید که دولت اسلامی در تأمین صلح و تداوم روابط صلح آمیز از آمادگی نظامی و تسلیحاتی برخوردار باشد در اصل می توان گفت برای دفاع از حق و آزادی مردم این قدرت نظامی است که تضمین کننده حقوق اسلامی ملتها در برابر نیروهای طاغوتی استعمارگر است.

اسلام می خواهد که از حکومتها و دولتهای مقتدر برخوردار باشد تا با تکیه بر این نیرو و قوا در پی تبیین صلح و دفاع از حقوق مظلومان باشد.

پس مراد از اصل صلح، خمودی، سکون و انداختن سلاح و در خواب غفلت فرو رفتن نیست که با آمادگی نظامی و تنظیم شئون جنگی در تناقض باشد.

نتیجه:

با بررسی دو دیدگاه اصالت جنگ و اصالت صلح و تعمیم آن به روابط سیاسی دولت اسلامی با سایر دول و همچنین ارتباط سیاسی و حقوقی کشورهای اسلامی با پیروان سایر ادیان، قول قوی و رای صائب همان دیدگاه «اصالت صلح» است بنابراین این دیدگاه اصل اولیه و حالت اصلی در روابط بین اسلام و سایرین «صلح» است، یعنی صلح قاعده همیشگی و جاوید است و جنگ عارض بر آن است.

روح اسلام و اصولاً همه ادیان الهی با جنگ و خونریزی مخالف است و اگر فرمان به آمادگی داده است هدف آن، دفاع از موجودیت و کیان دین است. اصل بودن صلح منافاتی با آمادگی نظامی ندارد. دین اسلام، دین صلح است نه جنگ و جنگ مقدس (جهاد) در شرایط استثنائی تجویز شده است. آیات قرآن حاوی نکات نغز و ظریفی است و بررسی آنها، نشان می دهد که امنیت و صلح روح اسلام است. سنت نیز حاکی از همین روح صلح و سلم است، چون پیامبر کسی را به ایمان آوردن، اکراه ننموده است چرا که تکیه پیامبر بر برهان، حجت، استدلال بوده و نه زور و شمشیر.

بر اساس این دیدگاه رابطه دولت اسلامی با سایر دولتها در حالت اولیه در صلح و همزیستی مسالمت آمیز، شرافتمندانه و دوستانه است که در قالب عهد و پیمان و بی طرفی، صورت قانونی می گیرد جنگ در حوزه این نظریه، حالتی عارضی و استثنائی است که در برخی شرایط رخ می دهد و دولت اسلامی در صورت تعدی و سلطه سایرین مجاز به جنگ است و گریزی از آن ندارد.

پس اصل اولیه، صلح، است که با طبع سلیم بشری نیز سازگارتر است. اسلام با هیچ دولت و عقیده ای، ابتدائاً سر جنگ ندارد، اما اگر تجاوزی صورت گیرد، دفاع مقتدرانه لازم است. بنابراین آمادگی کامل نظامی - امنیتی با تجهیز به آخرین فناوریها و دستاوردهای علمی، نظامی و دفاعی روز از جمله ضروریات کشور مستقل اسلامی است که می خواهد «آزاد»، «آباد»، «مستقل» در نظام بین المللی گام بردارد و روابط خود را با دیگر کشورها، مبتنی بر «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» تنظیم نماید.



منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۶۶
۴. احمد رشید، اسلام و حقوق بین الملل، ترجمه حسین سیدی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳
۵. بسته نگار، محمد، حقوق بشر از نظر اندیشمندان، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵
۶. برزگر، ابراهیم، تاریخ تحول دولت در اسلام، سمت، ۱۳۸۶
۷. حلی، محقق، شرایع الاسلام، تهران، وزارت فرهنگ، چاپ و نشر، ج ۱، ۱۴۱۱ هـ ق
۸. حمیدالله، محمد، حقوق روابط بین الملل در اسلام، ترجمه و تحقیق مصطفی محقق داماد، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۳.
۹. حسینی، سیدابوالقاسم، جهاد و حقوق بین الملل، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲
۱۰. الهندی، احسان، احکام الحرب و السلام فی دولة الاسلام، دمشق، دارالمنیر.
۱۱. جمال الدین مقدادبن عبدالله، السیوری، کنزالعرفان، تهران، مرتضوی، ۱۳۴۲.
۱۲. خدوری، مجید، جنگ و صلح در قانون اسلام، تهران، ترجمه غلامرضا سعیدی، امیرکبیر، ۱۳۷۰.
۱۳. خلیلیان، سید خلیل، حقوق بین الملل اسلامی، تهران، نشر فرهنگ، ۱۳۸۲.
۱۴. خمینی، روح الله، صحیفه نور، قم، موسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۵. زحیلی، وهبه، آثار الحرب فی فقه الاسلامی، دمشق، دارالفکر، ۱۹۹۲.
۱۶. شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، مرکز انتشارات حوزه علمیه، ۱۳۷۷.
۱۷. طبرسی، فضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، ترجمه حاج شیخ محمد رازی، فراهانی، ۱۳۵۸.
۱۸. طباطبائی، سیدمحمدحسین، تفسیرالمیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۴.
۱۹. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین الملل، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۵.
۲۰. ظریفیان شفیعی، غلامرضا، دین و دولت در اسلام، میراث ملل، ۱۳۷۶.
۲۱. غفوری، محمد، اصول دیپلماسی در اسلام و رفتار سیاسی پیامبر (ص)، نشر مهاجر، ۱۳۸۷.
۲۲. فیرحی، داود، نظام سیاسی و دولت در اسلام، سمت، ۱۳۸۷.
۲۳. کریمی نیا، محمد مهدی، همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۳.
۲۴. مطهری، مرتضی، جهاد، قم، صدرا، ۱۳۷۶.



۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالمکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۲۶. نوری، حسین، جهاد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۲۷. نوروزی، محمدجواد، درآمدی بر نظام سیاسی اسلام، قم، مؤسسه پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶.
۲۸. مصباح یزدی، حقوق بشر از دیدگاه اسلام، قم، مؤسسه پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.

Archive of SID